

پیش بازی راه حل افغانستان

نویسنده: ام کی بهادرا کومار

مترجم: رسول رحیم

جنگ افغانستان با همه ویژگیهای غریب و پیچیده اش به یکی از حساس ترین نقاطش یعنی آغاز مذاکرات سیاسی با طالبان رسیده است. مطبوعات جهانی پر از سوء اطلاعات و گزارشهای تبلیغاتی و مطبوعات افغانها غرق در تکرار حرفهای همیشگی است. پی نبردن به ذات جریانهای این مرحله ممکن است با اشتباهات جبران ناپذیر و تاریخی برای مردم افغانستان همراه گردد. بهادرا کومار نویسنده این مقاله یکی از دیپلماتهای قدیمی و مجرب هند و از کارشناسان ستراتژیک به نام آسیا و به ویژه آسیای میانه و منطقه ما می باشد. بهادرا کومار با آنکه هندوستانی است، مخالف مشی سیاست خارجی هندوستان است. او جانبدار یک جهان چندین قطبی و حسن همجواری میان همسایگان در کشورهای آسیایی می باشد. با آنکه در معلومات روز آمد و ژرف نگری تحقیقی او شکی نیست، نوعی خوش بینی نسبت به سیاستهای خارجی حکومت موجود افغانستان در نوشته هایش محسوس است. این مقاله او که تازه با عنوان "پیش بازی راه حل افغانستان" در روزنامه مشهور "ایشیا تایمز" انتشار یافته است، ممکن است در نزدیک شدن به یک شناخت دقیق از اوضاع جاری افغانستان برای پژوهندگان صلح و بهروزی افغانستان مفید واقع شود:

پیش بازی راه حل افغانستان

هنگامی که "منابع جا افتاده پاکستانی و عرب" همچون شماس یا زاچه هندی می سرایند، از شنیدن آن هرگز خسته نمی شوید. آنها آهنگهای رنگارنگ فراوانی دارند. صدای شماس با انگیزه های مختلفی بلند می شود. چنانکه آهنگهای بلند شان برای لانه ساختن و جفت گرفتن است. آهنگهای نرمی دارند، آهنگهای تهاجمی دارند که برای دفاع از لانه می باشند و یا اینکه نغمه هایی برای جنجال بر پا کردن و نشستن دارند.

بیاد آوریم که چه سان این منابع جا افتاده در اواسط سالهای 1980 در آستانه مذاکرات ژنو و دربرههء زمانی تا 15 ام فبروری 1989، یعنی هنگامی که پس از ده سال (اشغال) آخرین سربازان شوروی زیر فرماندهی جنرال بوریس گروموف با پای پیاده پل حیرتان بر آمو دریا را عبور می کردند، همسرایی می کردند؟! آری، آنها باز هم می سرایند.

اما آنها کمتر پرنده وارند بلکه بیشتر مانند استادان کشتی کونگ فو بسیار پیکار جو اند. آیا آنها لانه سازی می کنند و یا اینکه صرفاً می خواهند از آن دفاع کنند. مسلماً آنچه اکنون می سرایند، آهنگهای جنجال بر پا کردن و نشستن نیست.

در سه هفته گذشته پیهم وبا سرعت موضوعات باورنکردنی ای رونما شده اند. حامد کرزی رئیس جمهور در مورد راه حل "جامع" افغانستان با شورای طالبان در کویت، مذاکره کرده است که طالبان در حکومت شرکت کنند. همچنان به یمن کمک آی اس آی

یا ریاست بین الاستخباراتی پاکستان، حامد کرزی با شبکه حقانی مذاکره کرده است. این کار به دنبال آن نشست‌های صورت می‌گیرد که توسط آی اس آی " در بهار درمرز افغانستان - پاکستان " بین کرزی و سراج الدین حقانی صورت گرفته بود، و آی اس آی برادر و عموی سراج الدین را تا کابل مشایعت و محافظت کرده بود. حقانیها اکنون می‌دانند که زمان آن فرا رسیده است تا از به اصطلاح " ارتش آزادیبخش ایرلند شمالی " بودن به " شین فین " شدن تن بدهند (یعنی ازحالت یک سازمان مسلح جنگی به یک حزب حاضر به مشارکت درحکومت ائتلافی استحالہ یابند). وچنانکه یک منبع دیپلماتیک گزارش کرده است، گفته می‌شود که " این پایان جادهء القاعده دروزیرستان است".

یک تبلیغات رسانه ای بسیار دقیق و حساب شده دست اندرکار شده است که هدف اساسی آن تاکید براین است که طالبان درسیاست دست برتر می‌یابند. به نظر می‌رسد که هدف این تبلیغات سه چیزباشد. این واقعیت آفتابی را پنهان کند که گروه های غیرپشتون ازهمان روز اول جا دادن طالبان را درساختار قدرت نهایت خطرناک می‌دانسته اند. هرگاه گروه های غیر پشتون به قدرکافی تهیج گردند، امکان دارد برکرزی فشار زیادی وارد کنند که آنها را به طالبان " می‌فروشد". این ناسازگاری می‌تواند ائتلاف سستی را که کرزی در راس آن قرار دارد ازهم بگسلاند. چنین امری مطمئناً خطراتی را برای شورای عالی صلح درپی خواهد داشت که رئیس جمهور افغانستان آن را برای پل زدن با اردوگاه پشتونها درپاکستان به عوض دستگاه حاکم پنجابی ایجاد کرده است.

دوم اینکه، تبلیغات رسانه ای برجلال الدین حقانی مجاهد پیشین وپسرش سراج الدین متمرکز می‌باشد. " یک مقام ارشد پاکستانی" حتا مدعی است که " یخها شکسته اند" و مذاکراتی بین حقانی، کرزی و ایالات متحده امریکا جریان دارد.

یک برداشت درحال به وجود آمدن است که شورای کویته مهم باقی می‌ماند، اما مادامی که حقانیها به مثابه تهدید عمده نظامی برای سربازان امریکایی درصحنه جنگ باشند، نقش شورای کویته به مثابه طرف مذاکره اصلی ازجانب شورشیان کاهش می‌یابد. گفته می‌شود تا زمانی که حقانیها به مثابه طرف مذاکره اصلی با امریکاییان داخل مذاکره نشوند، صلح پایداری نمی‌تواند به وجود بیاید.

سومین نوع این تبلیغات رسانه ای می‌خواهد بی باوریهایی را در ارتباط پروسه صلح درشرف زایش به وجود بیاورد. دراینجا کرزی دریک موقعیت رویارویی با متحدان غیر پشتونش و عناصر معتدل دربین رهبری طالبان قرار داده می‌شود تا آنها مجبور شوند دوباره خود نمایی و ناسازگاری را ازسرگیرند ودرغایت امر پروسه آستی مختل گردد.

به طور خلاص هدف کلی این جنگ صاعقه وار رسانه ای آنست تا پروسه صلح " زیررهبری افغانها"، آنطوری که کرزی ازآن برداشت دارد دچار سقط شود.

به گفته **مارک سیدویل**، نماینده غیرنظامی ناتو برای افغانستان، پروسه صلح در یک مرحله نهایت آسیب پذیر و " جنینی" خود قرار دارد. **مارک سیدویل** هفته گذشته هنگام صحبت با خبرنگاران گفت: "رهبران مهم (طالبان) وجود دارند که به نظر می رسد از جنگ خسته اند و می خواهند آینده ای را با جریان عمومی در نظر داشته باشند... اما اساساً ما در یک مرحله جنینی قرار داریم. کانالهای ارتباطی بازاند. من نخواهم گفت که در این مرحله ما به نقطه ای جهت مذاکرات واقعی رسیده ایم".

با اینهم مسئله از زاویه دیگری کسب اهمیت می کند. یعنی از ناحیه سطح تعادل جدید و بلوغ و پختگی ای که اخیراً در روابط کرزی با واشنگتن رونما شده است. واشنگتن به طور چشمگیری انتقادات شدید از کرزی را متوقف ساخته و دوران بیگانگی و شقاق را پشت سر گذاشته است. جدال روی مسئله " فساد" کاهش یافته است. واشنگتن دوباره به راه افتادن انتخابات پارلمانی افغانستان را قبول کرده است و آماده است تلفیق قدرت کرزی و پارلمان را که بر اثر انتخابات در حال ظهور است بپذیرد.

به نظر می رسد که اداره **اوباما** درحالی که در جهت راه حل سیاسی گیر بدل می کند، تصمیم گرفته است با کرزی کار کند. بد گویان و مفتریان جنگ اوباما، موضوع را طور دیگری می بینند. **مایکل شیریک** کار گزار پیشین سی آی ای که اکنون به منتقدی تبدیل شده است می گوید: "بازی پایان یافته است و ما راهی برای بیرون شدن می جوئیم. **اوباما** اگر از افغانستان و عراق بیرون نرود، قادر نخواهد بود پایگاه (حمایتش را در بین هوادارنش) برای سال 2012 نگه دارد".

با اینهم ما نمی توانیم چنان با پیشداوری برخورد کنیم که گرایش پیهم در شخصیت سیاسی اوباما را نادیده بگیریم. **باری، لارنس تراپ** پروفیسور سرشناس که در دانشگاه **هاروارد** مرشد اوباما شد، این نکته را به درستی جمع بندی کرده است. او می گوید: " درکل **اوباما**... یک جهت گیری برای حل مشکلات دارد. به نظرمی رسد که او بسیار با قالبهای از پیش ساخته شده سروکار ندارد، بنابراین آنچه به ظهور می رسد بسیار عملگرایانه (پراگماتیک) و حتی آزمایشی می باشد. به مشکل می توان توصیف کرد که پیش فرضهای او از چه قرار اند...".

همه شواهد حاکی از آن اند که اوباما واقعاً می داند جنگ به خوبی پیش نمی رود. هرگاه چیزی وجود داشته باشد، **باب وود ورد** در آخرین کتابش " **جنگ اوباما** "، برسراخلافات در درون اداره اش در مورد مشی سیاسی افغانستان، او را به یک " جهت گیری برای حل معضله " ترغیب کرده است.

شکی نیست که **ویدیو کنفرانس اوباما با کرزی** به روز دوشنبه گذشته یک راهیافت هدفمند عملی بود. **اوباما** با ابراز تعهد دراز مدت ایالات متحده امریکا در دفاع از حکومت کابل که دوره بعد از راه حل را در برمی گیرد، پایه بسیار مهم هرگونه راه حل افغانستان را تحکیم کرد.

اوباما وکرزی توافق کردند که اعلامیه شراکت ستراتیژیک جدید ایالات متحده امریکا و افغانستان برای آن هنگامی آماده باشد که کنفرانس سران ناتو در ماه نومبر در لوزان برگزار می شود.

ایشان این موضوع را با عناوین کلیدی دیگری مانند " انتقال رهبری مسوولیت‌های امنیتی به افغانستان در سال 2014 " ارتباط دادند. چنانکه طرح آن توسط کاخ سفید در کنفرانس سران ناتو مطرح می شود. کاخ سفید به روز چهارشنبه گفته است که اوباما از تلاش‌های کرزی برای آغاز مذاکرات صلح با رهبران طالبان حمایت می کند، اما علاوه کرده است که " این (مذاکرات) در مورد افغانستان است و توسط افغانها صورت می گیرد".

از جانب دیگر روابط ایالات متحده امریکا و پاکستان که همواره دشوار بوده است، زیر فشارهای جدیدی قرار گرفته است. ایالات متحده امریکا حملاتش را با هواپیماهای بدون سرنشین در مناطق قبایلی پاکستان با شدت افزایش داده است. دو حادثه " داغ پیهم" موجب تحریک حملات پاکستانیها بر کاروانهای ناتو و مسدود شدن مرز تورخم از جانب پاکستان به افغانستان شده است. اما هیچ کدام آن موجب سراسیمگی درواشنگتن یا بروکسل نشده است.

در یک تبصره صدای امریکا با استفهام پرسیده می شود: " آیا حملات (پاکستانیها) موجب کمبود تجهیزات برای سربازان ناتو در افغانستان می شود؟ ". بطور استهزا آمیزی بدان پاسخ " نه" داده می شود و از قول جنرال جوزف بلاتس فرمانده نیروهای بین المللی کمک به امنیت در افغانستان (آیساف) آورده می شود:

" ما مقادیر هنگفت مهمات و تجهیزات در درون افغانستان داریم. ما دسترسی به سایر معبرهای ترانسپورتی و لوژیستیکی داریم... و بلی البته ما نیاز داریم تا در صدد سایر گزینه ها باشیم و شما می دانید که ما تجهیزات ضروری را از معبرهای مرزی با کشورهای همسایه در شمال به دست می آوریم. مقدار تجهیزاتی که ما به دست می آوریم تقریباً برابر است با تجهیزاتی که از معبر مرزی با پاکستان به دست مان می رسد. بنابراین در برابر آن (معبر مرزی پاکستان) بدیلهایی وجود دارند".

در کل، پیام ایالات متحده امریکا تا اندازه ای جدی تر شده می رود. نظامیان پاکستانی راه دیگری ندارند جز اینکه همکاری کنند با زهم، شاید بازیگران منطقه ای اختلافاتی با استراتژی ایالات متحده امریکا داشته باشند، اما اداره اوباما رابطه پوشیده یا شق ثانی با ایران را نگه می دارد، فعالانه با روسیه مشورت می کند و مانع آن شده است که دهلی جدید حرکات غیر ملاحظه کارانه ای بروز دهد. در عین زمان این (پندار) بسیار ناخردانه است که پیکنگ در صدد است تا نظامیان رام ناشدنی پاکستان را به تثبیت بسیار خطرناک یعنی " استراتژی نافرمانی آشکار" از ایالات متحده امریکا در هندوکش برانگیزد.

در این میان تاحال اداره اوباما تلاش‌های پاکستان را برای منحرف ساختن توجه اش به نا آرامیها در ایالت جمو و کشمیر هندوستان نادیده انگاشته است. به روز پنجشنبه وال

ستريت جورنال برتفصيل يك گزارش کاخ سفيد روشنی انداخت که توسط اوباما به کانگرس تقديم شده است. در این گزارش به زبان صریح غیرمعمول آمده است که نظامیان پاکستانی در جنگ افغانستان بازی دوگانه (دو رویانه) ای را انجام می دهند. در این گزارش آمده است:

" خود داری نظامیان پاکستانی از آن اقدامات نظامی ای که منجر به منازعه مستقیم با طالبان پاکستانی و یا نیروهای القاعده در وزیرستان شمالی شود، بیشتر یک انتخاب سیاسی است ، تا اینکه بازتاب تعیین اولویتها و گزینش اهداف بنابر کمبود منابع نظامی باشد".

ما شاهد پیش بازی یک راه حل صلح آمیز افغانستان هستیم. در این مورد شکی وجود ندارد. چنانکه یک مبصر دراک روزنامه گاردین میگوید موضوع دیگر برسر مذاکرات صلح نیست بلکه در مورد اینست که چه وقت جنگ پایان خواهد یافت. پاکستان ادعایش را که کارگردان کلیدی مذاکرات صلح باشد تکرار می کند . در صورتی که این خواستش رد شود ظرفیت بلا انقطاعش را برای " به غارت بردن" آن نشان دهد.

چیز فریبنده در مورد شماس یا زاچه های هندی در آن است که آنها می توانند قطعاتی از صداهای سایر پرندگان را نیز در آهنگهای شان پیوند دهند. بیاد آوریم که اینها با آهنگهای شان مذاکرات ژنو را به یاس کشاندند و مصایب شوروی را در افغانستان طولانی تر ساختند .